



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۲۳
۲ شهریور ۱۳۸۴
۲۴ اوت ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

پیام کنفرانس شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب به مردم کردستان

کارگران، مردم آزادیخواه کردستان! در خیزشهای شهری که از ۱۸ تیر ۸۴ از مهاباد شروع شد و به سرعت همه شهرهای کردستان را در برگرفت شما در مقابل سرکوبگری رژیم اسلامی قدرت اتحاد و همبستگی کم نظیری را به نمایش گذاشتید. این اعتراضات نقطه عطفی در مبارزات شما مردم بود. این اعتراضات آشکارتر از همیشه نشان داد که مبارزات شهری شما مردم مرکز تحولات سیاسی و اجتماعی است. این اعتراضات نشان داد که شما با شعارها و خواسته های انسانی و مترقی به میدان آمده اید و حقوق پایمال شده تان را خواستار هستید. شما پرچم آزادی و برابری را به شکل آشکارتری به اهتزاز در آوردید. شما نشان دادید

صفحه ۵

مصاحبه تلویزیون یاران با دبیر کمیته کردستان



محمد آسنگران

در مورد خیزشهای اخیر در شهرهای کردستان

متن پیاده شده مصاحبه آقای فرجی از تلویزیون یاران با محمد آسنگران دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

محمد آسنگران- همچنانکه در جریان هستتید اعتراضات درشهرهای کردستان از ۱۸ تیر بیعد در اعتراض به کشتن یک جوان در مهاباد شروع شده و به شهرهای

صفحه ۳

۱۴۰ کارگر "شاهو" سندج ۸ ماه حقوق نگرفته اند

کارگران همچنان در محیط کارشان حاضر می شوند

تهران- خبرگزاری کار ایران ۱۴۰ نفر از کارگران کارخانه "شاهو" سندج، بعد از ۲ سال بیکاری و ۲ بار تحصن در ۸ مرداد در مقابل اداره کار و ۲۸ همین ماه در استانداری کردستان، هم چنان در بالاتکلیفی به سر می برند . به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا

صفحه ۲

نشست کارگران شاهو با مسئولین دولتی در سندج

گزارشی خواندنی از مذاکره کارگران شاهو با مسئولین دولتی در سندج

دیروز شنبه ۲۹ مرداد هیئتی مرکب از جمشیدی معاون استاندار، حسامی مسئول صنایع، صادقی مسئول اداره کار، صدیق آزادی از طرف کارفرما، نمایندگان از طرف اطلاعات و فراست، یک نفر از نیرو انتظامی و از طرف کارگران ابراهیم رحمانی، رمضان حبیبی، علی نیلی، علی ملکی، نظام خادمی، حسام نعمتی و ناصر عزیزی نشست برقرار شد و نمایندگان کارگران با نمایندگان دولت و کارفرما به مذاکره پرداختند. در این مذاکرات ابتدا جمشیدی صحبت کرد و از کارگران خواست

نمود که به تهران نروند و به این اعتراضات پایان دهند. مسئولین دولتی هر کدام با تاکید بر سر اینکه ما به شما قول می دهیم که خواسته های شما را متحقق شود سخن گفتند. یکی از نماینده گان کارگران

صفحه ۲

گزارشی از اعتراض کارگران کارخانه شاهو در سندج

صفحه ۴

صمد احمدی

لیست اسامی تعداد دیگری از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر درشهرهای کردستان

اسامی ۳۴ نفر از دستگیر شدگان شهر سقز تاکنون اسامی ۱۱۸ نفر از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در شهرهای کردستان به کمیته کردستان گزارش شده است. قبلاً اسامی ۸۴ نفر از دستگیر شدگان را اعلام کرده بودیم. این اسامی تعداد بسیار کمی از دستگیر شدگان را شامل میشود. ما از همه کسانی که از اسامی این عزیزان مطلع هستند میخواهیم این لیست را تکمیل کنند. ما این اسامی را به مراجع دفاع از حقوق انسانی و بین المللی اطلاع میدهم. این امری لازم و ضروری است که

صفحه ۵

نامه معاون دبیرکل کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا به سفارت رژیم اسلامی در لندن در اعتراض به دستگیری برهان دیوانگر

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E-mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال ۹ هر شب رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر
با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

اعلام کرد که این مدت فقط شما وعده به ما دادید و به هیچ کدام از اینها عمل نکردید و ما این وعده ها را باور نخواهیم کرد.

کارگران به مسئولین گفتند: تا روز ۵ شنبه آینده اگر حقوقهای معوقه ما پرداخت نشود ما به تهران خواهیم رفت و در مقابل مجلس و وزارت کار و دفتر رهبری اعتصاب خواهیم کرد.

یکی از کارگران اعلام کرد: اگر روز ۵ شنبه حق ما را ندهید ما به تهران خواهیم رفت و همانجا خواهیم ماند تا جواب خود را بگیریم. در ادامه گفت مطبوعات دنیا دارد در مورد ما صحبت می کند و اینکه

چگونه حق ما را پیمال کرده اید. ما از حمایت جهانی برخوردار هستیم و اعلام خواهیم کرد که این حمایتها باید بیشتر شود و حتی می گوئیم بیایند و از نزدیک زندگی ما کرگران را گزارش کنند.

جمشیدی با شنیدن موضع سخت و صریح کارگران به خواهش تمنا افتاده و گفت: برداران کارگر، من به شما قول می دهم که شما به حقتان خواهید رسید.

یکی دیگر از کارگران می گوید شما آقایان پولها را بالا کشیدید و صدیق آزادی را مثال زد و گفت همین آقا را نگاه کنید، مگر شما چند سال پیش چه داشتد، حق و

حقوق ما را ندادید و به ما ظلم کردید و حالا ویلاهای در بالا شهر تهران خریدید. اگر اینطور نیست بگو دروغ می گویم تا من نشانی ویلاهای را هم بدهم، تا نشانی خیلی از اموالی که روی هم انبار کرده اید و آینده خودت و ۷ پشتت را تضمین کرده ای را بگویم. این پولها فقط از دهن من و کارگران امسال من گرفته شده است. شما خون ما را می مکید و حالا که مردم دنیا به حمایت از ما آمده است، می خواهید سر ما کلاه بگذارید، ما به شما باور نداریم....

در پایان این جلسه مسئولین دولتی تصمیم گرفتند که همین

دوشنبه صدیق آزادی و چند نفر از نمایندگان کارگران به تهران بروند که تا ۵ شنبه همه کارها را ردیف کنند. و بر همین مبنا قرار است فردا صدیق آزادی از طرف مدیریت کارخانه ابراهیم رحمانی نظام خامی برای حل مسله حقوق کارگران و روشن کردن وضعیت کارگران و حقوق و خواستههای آنها عازم تهران شوند.

مهران جلالی از سندج بازتکثیر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

نامه معاون دبیرکل کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا به سفارت رژیم اسلامی در لندن در اعتراض به دستگیری برهان دیوانگر

نمونه هایی که بعنوان اتهام علیه آقای دیوانگر اعلام شده اند، چگونه می توانند جرم محسوب گردند و چرا در این مورد وی نباید فوراً آزاد گردد؟

کی کاربری
معاون دبیرکل کنگره اتحادیه های کارگر بریتانیا

من همچنین از دولت ایران می خواهم که با آقای دیوانگر مطابق مقاله نامه های سازمان جهانی کار مربوط به آزادی تشکل به بعنوان عضو سازمان جهانی کار شما موظف به رعایت آن می باشد رفتار نماید.

در این صورت امیدوارم بتوانید توضیح بیشتری دهید که عضویت در تشکلات اتحادیه کارگری همچون

تشکلهای آزاد کارگری، عضویت در تشکل تازه تاسیس کارگران بیکار و نیز شرکت در تظاهراتهای اخیر در شهر سقز را اعلام نموده اند.

من خوشحال خواهم شد که شما اطلاعات بیشتری راجع به پرونده آقای دیوانگر در اختیار ما قرار دهید و تضمین کنید که خانواده و نمایندگان قانونی ایشان قادر به ملاقات با وی خواهند شد.

مطلع شده ایم که نیروهای انتظامی ایران در ساعت ۲ بامداد روز ۷ آگوست به منزل آقای برهان دیوانگر، عضو سندیکای کارگران خباز سقز، یورش برده اند.

آقای دیوانگر بازداشت شده و کامپیوتر و برخی از لوازم شخص ایشان مصادره شده اند. ساعتی بعد در همان روز به وی اتهاماتی از جمله عضویت در کمیته پیگیری ایجاد

خواهان کار ، آرامش و نظم در محیط کار ، تهیه مواد اولیه ، امنیت شغلی و پرداخت حق و حقوق قانونی خود هستند .

این نماینده کارگران در ادامه گفت : مشکلات این کارخانه در طول ۲ سال گذشته ، باعث ایجاد مشکلات عدیده ای در بین خانواده های کارگران از جمله تهدید به خودسوزی و خود زنی ، اختلافات خانوادگی و طلاق شده که در این راستا از مسوولین استان و اتحادیه کارگری و بازرسی تقاضا داریم که در حل مشکلات کارگران تلاش کنند ، چون بیش از این توانایی کنترل کارگران و جلوگیری از اقدامات جبران ناپذیر آنان را نداریم .

پایان پیام
شده است. درسندج این تومارها وسیعاً امضا شده است. در کرمانشاه و مهاباد تا کنون صدها نفر این تومار را امضا کرده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ مرداد ۸۴ - ۲۱ اوت ۲۰۰۵

محیط کار و صدور هر ماه یک اطلاعیه مبنی بر اخراج کارگران ، تعطیلی کارخانه ، صدمه به روحیه کارگران ، عدم تهیه ابزار و مواد اولیه ، نبود قطعات ضروری مانند رنگ ، سوخت و غیره ، عدم پرداخت حقوق ۸ ماه گذشته کارگران ، عدم پرداخت حق غذا بعد از ۲۳ سال کار ، عدم پرداخت حق ۴ درصد بیمه کارگران و در نتیجه عقب افتادن بازنشستگی ۲۵ نفر از کارگران که مدیر عامل مربوط مسبب آن ها بوده ، از مشکلات عمده کارگران است که زندگی ۱۴۰ نفر از کارگران و خانواده های آنان را به خطر انداخته

، به طوری که با فلاکت و بدبختی زندگی می کنند .
وی اظهار داشت : کارگران شاهو

تومان به شخصی که مواد اولیه کارخانه را تهیه می کند بدهکار شده که به علت نبود مواد اولیه و بدهی به سازمان ها و شرکت های مختلف ، آب و برق و تلفن این کارخانه قطع شده و به حالت تعطیلی درآمده است ، اما کارگران ، هر روز ۳ ساعت در کارخانه حضور پیدا می کنند. نماینده دیگر کارگران گفت : مدیر عامل و سهامداران شاهو ، هیچگونه توجهی به کارخانه و کارگران نداشته و با وعده های پوچ و بی اساس خود ، روز به روز بر نابسامانی وضعیت کارخانه افزوده اند.

"ابراهیم رحمانی" ، افزود :
توهین به جایگاه مقدس کارگری ، ایجاد اغتشاش و بی نظمی در

سرمایه گذاری آتیه دماوند واگذار شده است که در طول این دو سال ، کارخانه را ۲ بار به فروش رسانده اند .

وی افزود : مدیر عامل کنونی کارخانه با اطلاع کامل از بدهی ۷۰۰ میلیون تومانی قبلی کارخانه این واحد را خریداری و تعهد داده که تمام بدهی ها را پرداخت نماید ، اما تا به حال مبلغ فوق را پرداخت نموده است .

وی اظهار داشت : در این ۲ سال ، کارخانه شاهو ۴۰۰ میلیون تومان به سازمان تامین اجتماعی ، ۳۰ میلیون تومان به اداره برق ، ۷۰ میلیون تومان به سازمان بازنشستگان ، ۱۰۰ میلیون تومان به شرکت مخابرات و ۱۰۰ میلیون

تومارهای امضا را به همه شهرها گسترش دهیم

متعددی در محلات شهرها برای آزادی دستگیر شدگان و بیرون رفتن نیروهای نظامی از شهرهای کردستان ادامه دارد. ما ضمن حمایت از این مطالبات،

بر اساس اخباری که به کمیته کردستان حزب رسیده است بیش از یک هفته است که در شهرهای سندج، مهاباد، کرمانشاه و سقز تومارهای

از صفحه ۱ مصاحبه تلویزیون باران ...

دیگر کردستان از جمله پیرانشهر، سردشت، اشنویه، سقر، سنندج، دیواندره، کامیاران، پاوه و جوانرود در نزدیکی کرمانشاه کشیده شد. اوج این اعتراضات، اعتصاب عمومی ای بود که همزمان با تجمعات اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی و حمایت‌هایی که یکپارچه بر علیه کشتار و زندانی کردن مردم انجام گرفت کم نمونه و کم سابقه بوده است. ولی حالا فضای شهرها همچنان متشنج است، دستگیریه‌ها و خانه‌گردیها همچنان ادامه دارد، زندانیان بشدت تحت فشار هستند، برخی از دستگیر شدگان اعتصاب غذا کرده اند، زندانیان شکنجه شده اند و شکنجه وحشیانه زندانیان در شهرهای کردستان همچنان ادامه دارد. متأسفانه تا کنون تعدادی زیر شکنجه جان شان را از دست داده اند. از جمله در شهر سنندج یک نفر به اسم شاهو امجدی همین یکشنبه گذشته زیر شکنجه کشته شد و جنازه اش را وقتی به خانواده اش دادند که از آنها التزام گرفته بودند که مراسمی برایش نگیرند و خود نیروهای انتظامی جنازه را خاکسپاری کنند. بهرحال فضا کاملاً متشنج و مردم خشمگین هستند.

بعد از این اتفاقات هنگامی که هیئتی از تهران به مه‌آباد فرستاده شد، قتل فجیع شوانه قادری توسط نیروهای انتظامی رژیم در مه‌آباد را بررسی کردند و نتیجه را چنین اعلام کردند که شوانه قادری یک شوروروده و مردمی که در مقابل نیروهای انتظامی قرار گرفته بودند را ارازل و اوپاش خطاب کردند. جمهوری اسلامی علاوه بر کشتن این جوان جنازه او را مثله کرده و بعد از این جنایت سران این رژیم باز هم این القاب را به مردم میدهند.

مردم با شنیدن این توهین مقامات رژیم خشمگین شدند و به میدان آمدند و تظاهرات‌های متعددی باز هم صورت گرفت. این اعتراضات در شهرهای کردستان بشدت کمتری نسبت به گذشته هنوز ادامه دارد و الان نیروهای انتظامی و مسئولین در زندانها دارند انتقامشان را از زندانیان میگیرند.

فرجی آقای آسنگران میشود

توضیح بدهید چرا این تشنجات در کردستان بخصوص در مه‌آباد بوجود آمد؟

محمد آسنگران- اینکه شعله این تشنجات در مه‌آباد بدلیل قتل فجیعی که نیروهای انتظامی مرتکب شدند آغاز شد، کل قضیه را توضیح نمیدهد. حقیقت این است که مردم در کردستان هیچوقت جمهوری اسلامی را نپذیرفته اند و امروز روزی تاریخی برای مردم کردستان است. روز ۲۸ مرداد ۵۸ روزی است که خمینی دستور لشکر کشی به کردستان داد و اعلام کرد که از زمین و هوا و دریا (جالب این است که در کردستان دریائی وجود ندارد ولی خمینی این دستور را داد) به ارازل و اوپاش حمله کنند. همان موقع خمینی همین الفاظ را بکار برد و گفت اینها یاغی هستند، وابسته به دولتهای خارجی اند و گفت باید اینها را پاکسازی کرد. در همین دوره بود که بنی صدر به نیروهای سرکوبگر اعلام کرد که پوتینها را از پا در نیارید تا ارازل و اوپاش را سرکوب میکنید.

همه این اتفاقات یک جنبش وسیع و اجتماعی را در مقابل جمهوری اسلامی شکل داده بود و سازمانهای سیاسی مختلف برمتن این اعتراضات اجتماعی به فعالیت پرداختند. این که چرا این جنبش اکنون در کردستان بوجود آمده است اگر از دلایل تاریخی آن بگذریم، عملاً همان دلایلی را دارد که مردم در تهران به جمهوری اسلامی معترض هستند، همان دلایلی را دارد که اعتراضات مردم در اصفهان، شیراز، مشهد خوزستان و شهرهای دیگر به جمهوری اسلامی را شاهد بوده ایم. مردم از نبود امکانات زندگی از فقر، از نداری از عدم آزادی از دیکتاتوری حاکم، از فضای خفقان آور علیه مخصوصاً زنان و آپارتاید جنسی ای که این رژیم ایجاد کرده بیزار هستند و این رژیم را نمیخواهند.

هر نوع جرقه ای و هر نوع اتفاقی در جامعه باعث شورشهای شهری میشود. این را ما بارها در قزوین دیده ایم در مشهد و شهرهای مختلف شاهد آن بوده ایم و امروز در کردستان شاهد آن هستیم. یک فاکتور اصلی اوضاع سیاسی این است که هر وقت پیچ و مهرهای حکومت یک درجه شلتر میشود

وامکانی بوجود میاید و مردم فرصتی بدست می آورند به خیابان مییززند و انزجار خود را بیان میکنند. اگر کسی بخواهد بطور واقعی از لحاظ سیاسی و اجتماعی بدون حب و بغض قضیه را بررسی کند به این دلایل اشاره میکند دلیل خاص دیگری نیست.

فرجی آقای آسنگران این جریان پ کاکا و یا پکاکا که سخنگویان دولت اعلام میکنند که کسانی در کردستان، دارند تشنج ایجاد میکنند و تجزیه طلب هستند، راجع به این مسئله شما چه صحبتی دارید؟

محمد آسنگران- پکاکا یک جریانی است که از پ کاکا جدا شده است. اینها یک دوره ای همگی دست پرورده جمهوری اسلامی بودند. در رضایتیه در سردشت و پیرانشهر و شهرهای مرزی مقرر داشتند. جمهوری اسلامی به اینها پول و امکانات میداد. از میان اینها جاسوس پرورش و در مقابل مبارزات مردم قرار میداد. اکنون بین جمهوری اسلامی و این جریانات شبه فاشیستی فاصله ای افتاده است. اینها جریانات سیاسی نیستند بلکه جریانات شبه فاشیستی و ناسیونالیست افراطی هستند که در جامعه ایران در شهرهای کردستان در میان مردم کردستان ایران هیچ پایگاه اجتماعی ندارند. این را با اطمینان بهتان میگویم اینها تنها قدرتشان اسلحه و امکاناتی است که جمهوری اسلامی به اینها داده است. یک مدت سوریه اینها را کمک میکرد و مشخصاً مقرر اوجلان در سوریه بود و بعد از اینکه توافقاتی بین ترکیه و سوریه بعمل آمد، اوجلان را از سوریه اخراج کردند و بعدها اوجلان را دستگیر کردند. ما همان موقع دستگیری اوجلان را محکوم کردیم اما خود قضیه دستگیری اوجلان مسئله دیگری است و نباید کسی به جرم اختلاف و یا مسائل سیاسی زندانی شود. ولی علیرغم اینها مثل یک جریان وقتی وارد جامعه و سیاست میشوند، اینها یک جریان سیاسی بحساب نمی آیند. نیروهای شبه فاشیستی تند رو و افراطی هستند که بخیال خودشان میخواهند چهار پارچه کردستان را یکی کنند. این در دنیای امروز غیر واقعی و غیر عملی است و مردم هم اینرا

نمیخواهند.

همین الان اگر بین مردم کردستان در یک فضای آزاد، رفراندوم برگزار شود فکر نمیکنم یک درصد مردم خواهان جدائی باشند زیرا مردم در کل ایران خودشان را در کنار هم قدرتمندتر احساس میکنند. فضای فرهنگی هم چنان در جامعه انتگره شده که عملاً کل مردم بعنوان یک پدیده جدائی ناپذیر در آمده اند. منتهی اگر روزی روزگاری تعدادی بودند که این شعار را داشته باشند میشود رفراندوم کرد، ولی الان که به شعارها و خواسته های مردمی که به خیابان آمده اند و به جمهوری اسلامی اعتراض دارند نگاه میکنیم این مردم خواهان آزادی، برابری، خواهان محاکمه قاتلین مردم، خواهان آزادی دستگیر شدگان هستند خواهان آزادی اجتماع و اعتراض هستند. این خواسته ها هیچ ربطی به ملیت و قومیت کسی ندارد. مردمی هستند بعنوان انسان بیدان آمده اند و سهمشان را از زندگی میخواهند. بویژه نسل جوان امروزی که هیچ خاطره ای نه از قاضی محمد دارد و نه از بارزانی و نه از طالبانی. این نسل الگوی زندگی اش را از جوان پارسی از جوان سوئیسی و آلمانی و آمریکائی میگیرد. جوان امروزی در کردستان الگوش جامانه و فرنچی مصطفی بارزانی و قاضی محمد نیست الگوش اوجلان نیست. الگوش یک جهان مدرن امروزی است که می خواهد زندگی اش را داشته باشد. میخواهد زندگی اش را در امنیت و در آسایش با رفاه و احترام به انسانیت پیش ببرد. بنظر من آنها جایگاهی در این فضا ندارند.

فرجی - چرا حالا رژیم این مسئله را پیش کشیده که کردها مسئله تجزیه طلبی را پیش کشیده اند آیا شما فکر نمیکنید که آمدن کابینه احمدی نژاد روی این تشنجات در کردستان اثر گذاشته است، زیرا اکثر وزرای پیشینهادی احمدی نژاد کسانی بوده اند که دستشان به خون مردم کردستان آلوده است، درست است؟

محمد آسنگران- تا جایی که به کابینه احمدی نژاد مربوط است اینها پاسدارها و حزب الهی هائی بودند که اکثراً مقامهای پائین تری را در اختیار داشتند. اینها بعنوان

فرمانده سپاه، پست معاونت استانداری مسئولین سیاسی ایدئولوژیک و مقاماتی که در محل عملاً باعث آن کشتاری شدند که از سال ۵۸ در کردستان شروع شد و همچنین در شهرهای دیگر ادامه پیدا کرد. تعرض جمهوری اسلامی وقتی به کردستان شروع شد، مقاومت مسلحانه مردم را شکل داد. این تعرض به شهرهای دیگر مثل خوزستان، تهران و ... هم آغاز شد. اتفاقاً اولین تعرض به اصفهان شد اولین کارگر بیکار را در اصفهان کشتند.

بنابراین آن تعرض سراسری بود و وقتی به کردستان رسید به دلایل تاریخی و به دلیل اینکه مردم در کردستان حول احزاب معینی بسیج میشدند و احزاب نقش داشتند مقاومتشان به جنگ مسلحانه تبدیل شد. کسانی که الان بعنوان کابینه احمدی نژاد معرفی شده اند، فرماندهان و قاتلین آموغ مردم هستند، این واضح است و مردم بخوبی اینها را میشناسند. خیلی از اینها با اسامی دیگری در آنجا خدمت میکردند

ولی مردم آنها را از روی عکشان و سابقه شان میشناسند. بهرحال نه تنها اینها حتی بخشی از اصلاح طلبان هم آن هنگام در کردستان بودند. آقای جلالی پور یکی از فرماندهان در مه‌آباد بود. کلاً اینها طیفی بودند که حول سیاستهای خمینی و اسلام سیاسی تلاش کردند که مردم را تحت حاکمیت اسلامی خودشان در بیاورند.

اینها بلاخره روزی باید محاکمه شوند و در مقابل مردم پاسخگو باشند و تاکنون مردم به آنها جواب خوبی داده اند. آیا تظاهرات اخیر عکس العملی به کابینه احمدی نژاد بود، من اینطور فکر نمیکنم زیرا که اعتراضات هنگامی آغاز شد که کابینه احمدی نژاد مشخص نشده بود. اما این اعتراضات عکس العملی بود در مقابل جمهوری اسلامی در جریان "انتخاباتی" که انجام داد و در این مقطع مردم یکپارچه تحریم کردند و به پای صندوقها رفتند. نه تنها این بلکه اعتراض کردند، در مه‌آباد چندین صندوق انتخاباتی را به آتش کشیدند در سنندج همینطور و در شهرهای دیگر به صندوقهای

انتخاباتی تعرض شد. این یک فاکتور بود، یک فاکتور دیگر در شهرهای کردستان که بنظر من تعیین کننده و جدی است احزاب در کردستان نفوذ دارند و گوش شنوای سیاست احزاب وجود دارد. در عین حال در کردستان یک جنبش عمومی نیست که ما شاهد آنیم، بلکه دو جنبش در جریان است. اعتراضات مردم بعنوان اعتراض یکپارچه است ولی عملاً دو جنبش در اعتراضات دخیل هستند. یک جنبش ناسیونالیستی و یک جنبش چپ و کمونیستی. این هردو جنبش تاریخاً نفوذ داشته اند و هم اکنون نیز نفوذ دارند. اگر کسی منکر آن میشود بخودش مربوط است، اما واقعیتهاى جامعه کردستان حضور و نفوذ این دو جنبش را نشان میدهد.

مبارزاتی که در یک سال و نیم گذشته اتفاق افتاد زمینه اعتراضات اخیر را آماده کرد. در اول ماه مه امسال بزرگترین راهپیمایی به نسبت ایران در سنجق اتفاق افتاد، این راهپیمایی با پرچمهای سرخ، با شعار کارگران جهان متحد شوید، و یا ما فقر نمیخواهیم، مسکن میخواهیم، ما خواهان آزادی هستیم و شعارهای دیگر. یا ۸ مارس که در سنجق برگزار شد و رویا طلوعی که حالا دستگیرش کرده اند یکی از سخنرانان ۸ مارس بود و تعداد زیادی در مراسم سخنرانی کردند چندین هزار نفر شرکت داشتند. مراسم ۸ مارس در سنجق بسیار با شکوه بود که در نقاط دیگر به این وسعت برگزار نگریدید. متأسفانه در سایر نقاط اجازه ندادند این مراسم برگزار شوند، اما در کردستان تعادل قوا طوری بود که تعداد زیادی از فعالین این عرصه سخنرانی کردند و برای برگزاری این مراسم تلاش کردند. مراسمهای جشن جهانی کودکان هر سال در شهرهای

کردستان برگزار میشود و امسال وسیعاً در اکثر شهرهای کردستان برگزار گردید. این جشن به جشن آدم برفیها معروف شده است. اینها سنتهای کاملاً تازه ای هستند که نه کردستانی است، نه ناسیونالیستی و نه ایرانی و نه شرقی و نه خاور میانه ای. همه این سنتها، سنتهایی است که از غرب و از بشر متمدن امروز گرفته شده است. سنتهایی است که مردم در کردستان برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی از آن استفاده میکنند. اینکه پژاک و پ.ک.ک. تلاش میکنند که رنگ قومی و ناسیونالیستی به این مبارزات بزنند بنظر من امکان پذیر نیست. این حرکت را اخیراً جمهوری اسلامی هم دارد انجام میدهد و دلیل آن کاملاً واضح است. برای جمهوری اسلامی این جنبش وقتی قابل سرکوب است که اعتراضات را به مسئله قومی و ملی مربوط کند و اعلام کند که اینها دارند جدا میشوند و خواهان خودمختاری و فدرالیسم هستند.

در صورتیکه در اعتراضات اخیر حتی یک مورد هم در هیچکدام از این اعتراضات و در هیچ شهری نه شعار فدرالیسم و نه خودمختاری مطرح نشده است. شعاری که طرح شده است زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر آپارتاید جنسی، معرفی و محاکمه قاتلین، خروج نیروهای نظامی از شهرها، خواست آزادی بیان و تجمع و غیره بوده است. مردم اینها را در تجمعات خود گفته اند، نوشته اند و در سخنرانیها، در قطعنامه ها بر این خواستها تأکید کرده اند. در سنجق جمعی از مردم تجمع کردند و با مقامات استانداری در مورد دستگیر شدن کارگران مذاکره کردند. اما جواب جمهوری اسلامی تنگ و خون و قتل و زندانی کردن و شکنجه و تجاوز به حقوق مردم بود. از جمله کارهای فجیعی که جمهوری

اسلامی انجام داده است اعمال آزار جنسی به دستگیر شدگان اعتراضات اخیر است. بوسیله باتوم برخی از زندانیان را آزار جنسی داده اند و این هشدار دهنده است.

فرجی آقای آسنگران من سؤال دیگری از شما دارم که به آن جواب بدهید. در خارج از کشور چه اقداماتی انجام گرفته و چه تظاهراتی شده است. آیا این صحیح است که کردهای ایرانی که به مجامع بین المللی رفته اند از پرچم ایران استفاده نکرده اند و پرچم کردهای عراق را برداشته اند.

محمد آسنگران - اجازه بدهید در مورد پرچم به نکته ای اشاره کنم. من مخالف هرنوع پرچمی هستم چه پرچم کردستان و چه پرچم ایران. اینکه هر حکومتی قدرت را در دست میگیرد پرچمی بلند میکند و این پرچم عاملی میشود برای سرکوب، برای توهین، برای تحقیر مردم و عملاً زیر این پرچمها خون خوابیده. من خواهان پرچم آزادی و رفاه انسان هستم، من خواهان رجوع به انسان هستم و امیدوارم که انسان مبنای حرکت همه ما باشد. در رسانه های گروهی همواره گفته میشود "کردها" کشته شدند، "کردها" اعتراض کردند و "کردها".... اگر مردم در تهران اعتراض کنند و یا کسانی توسط جمهوری اسلامی کشته شوند، آیا میگویند که فارسیها اعتراض کردند و یا فارسیها کشته شدند، کسی این را نمیگوید. میگویند مردم تهران این کار را کردند و یا مردم مشهد دست به اعتراض زدند و... ولی وقتی به شهرهای کردستان میرسند هم ناسیونالیستهای ایرانی هم ناسیونالیستهای کرد بلافاصله مارک قومی و ملی به آن میزنند و این متأسفانه باعث میشود که جمهوری اسلامی بیشترین استفاده

دوربینها را از آنها گرفتند و با خود بردند. این عمل نیروهای انتظامی باعث اعتراض کارگران شد و ناچار خبرنگاران را باز هم به محل بازگردانند. این خبرنگاران از تجمع کارگران گزارش تهیه کردند. ابتدا اقبالیور از طرف استانداری به میان کارگران آمد و به حرف زد پرداخت که مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و ناچار محل تجمع را ترک کرد. سپس کارگران اعلام میکنند که قصد رفتن به تهران را دارند و باید دولت مخارج این سفر آنها را بدهد، زیرا کارگران چندین

را از آن بکنند. زیرا حساسیت مسئله را از بین میبرد و باعث میشود که مردم شهرهای ایران از مبارزات مردم در کردستان حمایت نکنند. ولی من امیدوارم که این اعتراضات بعنوان اعتراضات انسانیهای متمدن و انسانهای مدرن و مترقی امروزی، انساهاى برابرى طلب و آزادىخواه همچنان ادامه پیدا بکند و به همین عنوان شناسانده شود. من خواهان این هستم اگر کسی میخواهد پرچمی را بلند کند پرچم انسانیت و آزادی را بلند کند. این به نفع همه مردم است.

فرجی آقای آسنگران! آیا شما قبول میکنید وقایع اخیر کردستان رنگ تجزیه طلبی ندارد. خواهش میکنم روی این موضوع تأکید بکنید که این درست تبلیغاتی است که جمهوری اسلامی سعی میکند به جهانیان و مردم ایران بقبولاند که اینها یک حرکات تجزیه طلبانه است.

محمد آسنگران - ببینید مردمی که اعتراض میکنند، شعارهایشان و یا خواسته هایشان نشان میدهد که چه میخواهند. در کردستان ما شاهد طرح هیچکدام از شعارهای فدرالیسم و خودمختاری که تجزیه طلبی هم نیست، نبودیم. این نوع بحثها عمدتاً از طرف دو دسته از سیاستمداران و جریانات سیاسی در جامعه مطرح میشود، که بطور واقعی ربطی به مشکل مردم ندارد و مردم به اینها فکر نمیکنند. یک دسته از اینها حاکمین جامعه یعنی جمهوری اسلامی است، که تلاش میکند از این طریق ناسیونالیسم ایرانی را باد بزند و یک ملیت را در مقابل ملیت دیگر قرار دهد. دسته دیگر ناسیونالیستهای ایرانی و آریائی پرستها هستند که در حال حاضر هیچ ربطی به خواسته ها و

ماه است که حقوق نگرفته اند و نمیتوانند خودشان پول این سفر را تهیه کنند. سیهی از طرف استانداری به میان کارگران آمد و کارگران اعلام کردند ما اینجا آمدیم که صدای اعتراض خود را به مردم برسانیم و اکنون هم هزینه سفر به تهران را باید دولت به پردازد. در این لحظات بود که نماینده شورای شهر دخالت کرد و اعلام کرد که سه اتوبوس و هزینه سفر را در اختیار کارگران قرار میدهد، به شرطی که تجمع را تمام کنند. کارگران اعلام میکنند که جمعه شب پول و اتوبوسها

مطالبات مردم ندارند. اینها هردو بمنظور تضعیف این مبارزات تلاش میکنند که خواسته های مردم را زیر چتر ملیت و قومیت ببرند. زیرا که نگران رشد مبارزات عادلانه مردم هستند. در خوزستان همین سیاستها را دیدیم، مردم اعتراض کردند، آنها گفتند عربها تجزیه طلب هستند. در صورتیکه این مردم سالها است که با جمهوری اسلامی سر جنگ دارند. این مردم دارند میگویند که ما آزادی و رفاه میخواهیم و نفرت و انزجار خود را از قتل و زندانی شدن و شکنجه بعنوان مختلف و هر روزه اعلام میکنند. میگویند که حق زندگی داریم. در کردستان هم همین طوری است در تهران و سایر نقاط دیگر نیز اساس همه اعتراضات بر همین مبناست. ولی چرا تا وقتی اعتراض مردم در گوشه ای از این جغرافیای معین از ایران اتفاق میافتد، مارک قومی و ملی به آن میزنند، دلیل تاریخی و سیاسی آن اساساً این است که تلاش میکنند مردم با مبارزه متحد و یکپارچه در مقابل حاکمین و سرمایه داران و استثمارگران ظاهر نشوند. امیدوارم که مردم مبارزانشان را که تا کنون شاهد آن بوده ایم با همین تمدن با همین پرچمهای آزادی و انسانیت و پرچمهایی که تفاوتی بین ملیتها و اقوام نگذاشته است ادامه پیدا کند. ما همچنان تلاش میکنیم که این اتفاق بیفتد.

فرجی خلی ممنون از شما آقای آسنگران. امیدوارم در کارهایتان موفق باشید و ممنونم از صحبتی که با ما کردید.

محمد آسنگران - با تشکر از شما

۲۸ مرداد ۸۴

را میخواهند. قرار شد در عصر روز جمعه اتوبوسها و پول هزینه کارگران به تهران در محل کارخانه تحویل کارگران داده شود. کارگران روز شنبه به تهران میروند. قبل از رفتن نامه ای خطاب به کارگران و مردم تهران نوشته اند و خواهان حمایت شده اند.

صمد احمدی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مرداد ۸۴ - ۱۸ اوت ۲۰۰۵



فریدون فرجاد

۲۲ آگوست ۰۵

۱۷ سال پیش رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در یکی از بی سابقه ترین کشتارهای تاریخ بشری، به قتل عام زندانیان سیاسی در ایران دست زد. قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و همچنین کشتارهای سال ۱۳۶۰ و دیگر جنایات این رژیم علیه فعالین سیاسی در طول تاریخ موجودیت سیاهش، بعنوان پرورنده ای قطور بایستی در دادگاه های بین المللی مورد بررسی قرار گیرد.

گورستان خاوران در تهران شاهد بزرگ جنایتی توسط حاکمان و دژخیمان اسلامی

قتل عام تابستان ۶۰

از گذشت ۱۷ سال از قتل عام تابستان ۶۷، ما بازماندگان این کشتارها چه در داخل و چه در خارج از کشور، ضمن ادای احترام به این عزیزان باید با یک تلاش متحد و همبسته کاری کنیم که عاملان و آمران این نسل کشی را به دست عدالت بین المللی بسپاریم. این یک وظیفه انسانی هر انسان شریف و آزادی خواهی است که بقا و موجودیت این حکومت رایبکی از موانع اصلس در راه سعادت انسانها می داند. شمارش معکوس برای بزیر کشیدن این رژیم توسط مردم سرنگونی طلب و انقلابی ایران شروع شده و بی شک تلاش و فعالیت ما در تحقق این امر موثر است.

گرامی باد یاد و خاطره جانباختگان تابستان ۶۷ و دیگر قربانیان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی.

سرمایه است که هیتلر وار وساطور بدست به جان عزیزترین و شریف ترین فرزندان، پدران و مادرانی افتادند که خانواده هایشان برای آزادی آنها از سیاه چالهای رژیم، لحظه شماری می کردند. قتل عام تابستان ۶۷ در تداوم جنایات و آدم کشی های این رژیم در بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و اعدامهای وسیع در کردستان و دیگر نقاط ایران، آوارگی میلیونی بسیاری از انسانهایی که آزادی و برابری را آرزو داشتند و اگر به دست شکنجه گران این رژیم گرفتار می شدند، اکنون در خاورانهای دیگری و بدون نام و نشان در گورهای دسته جمعی دفن شده بودند. اینها و بسیاری دیگر از کشتارهای قصابان اسلامی، کارنامه جنایت علیه بشریت این رژیم است که با ادامه و اتکا به این قتلها تا به امروز توانسته است که به حاکمیت کثیف و ضد بشری خود ادامه دهد. حال بعد

از صفحه ۱ لیست اسامی تعداد دیگری از ...

اسامی همه دستگیری شدگان ثبت و به مراجع بین المللی اطلاع داده شود.

اسامی تعدادی دیگر از جوانان و مردم که در شهرهای کردستان دستگیر شده و اخیراً به دست ما

رسیده است (لیست چهارم) عبارتند از: ۳۴ نفر از دستگیر شدگان شهر سقز

- ۱- علیرضا فرج پور
- ۲- هیوا الهیاری
- ۳- هیوا مدرسی

از صفحه ۱ پیام کنفرانس شورای کادرها

که تلاش کردند به جای دفاع از مبارزات حق طلبانه و انسانی شما که بخشی از مطالبات مردم در سراسر ایران بود شعارهای قومی و ناسیونالیستی را سر دهند، عملاً دشمنی و تقابلشان را با خواسته های شما را نشان دادند.

جریاناتی که با روشهای قدیمی و سنتی با چند ده نفر مسلح تلاش کردند جایگاه مبارزات شهری شما را کم رنگ کنند، جریاناتی که خیزشهای شهری و تشکلهای کارگری و مردمی را میخواهند به پشت جبهه خود تقلیل دهند، جریاناتی که به امید دخالت آمریکا و عواقبیزه کردن کردستان ایران خواب

آزادی و رهایی از قید و بندها و سرکوبگریهای رژیم اسلامی را در دست دارید. این اعتراضات توده ای و همه گیر تجریبات گرانبهای در بردارد، شکل و مضمون این اعتراضات انسانی و انقلابی شما سرمشق مبارزات مردم در ایران خواهد بود.

مبارزات و اعتراضات شما در عین حال جایگاه و مواضع احزاب سیاسی را هم به محک آزمایش گذاشت. شعارها، مطالبات و شکل اعتراض شما محکی شد که دوری و نزدیکی احزاب سیاسی به شما و آرمانهای انسانیتان را بیش از پیش روشن کرد. جریانات غیر مسئولی

- ۴- کیوان سلیمی اردلان
- ۵- رسول امینی
- ۶- آزاد محمدی
- ۷- ارسلان فرجی
- ۸- شهرام انصاری
- ۹- کامران مسلم
- ۱۰- کاوه احمدی
- ۱۱- هیرش دولتی

- ۱۲- خالد فانی
- ۱۳- حامد فانی
- ۱۴- رضا حق ستا
- ۱۵- فریدون ملکی
- ۱۶- فردین ملکی
- ۱۷- بختیار فرجی
- ۱۸- ربیوار احمدی
- ۱۹- ناسو شیخی
- ۲۰- رحمان جراحی
- ۲۱- فرشاد وکیلی
- ۲۲- فرشید وکیلی
- ۲۳- علا دولتی
- ۲۴- هادی عباسی
- ۲۵- اقبال کریمی
- ۲۶- شهرام کریمی
- ۲۷- اقبال فیضی
- ۲۸- آزاد مرادی
- ۲۹- محمد قادری
- ۳۰- کاوه مهران
- ۳۱- ناوات محمدی
- ۳۲- طه گزیزی
- ۳۳- وریا رجبی
- ۳۴- فرهاد آغزل

لیست سوم:

- ۱- سامان رسولپور ۱۹ ساله از مهاباد
- ۲- زینب بایزیدی ۲۰ ساله از مهاباد
- ۳- میکائیل امینی از قروه
- ۴- طالب میرزایی از قروه
- ۵- محمود شریفی از قروه
- ۶- طالب میهمی از قروه
- ۷- حبیب الله رنجبر از دهگلان
- ۸- علی پاسبار از بوکان
- ۹- مسکوپاسبار از بوکان
- ۱۰- امیر عبدالله زاده بوکان
- ۱۱- محمد حسن خانی از

بوکان

- ۱۲- سعید سعیدی سنندج
- ۱۳- اجلال قوامی سنندج
- لیست دوم:
- ۱۴- حسین ترکی
- دانا رحمتی
- ۱۶- اجمال سیفی
- ۱۷- مسلم حسینی
- ۱۸- زاهد فیضیان
- ۱۹- کورش لطفی
- ۲۰- کاوه بزرگی
- ۲۱- وریا مرادویسی
- ۲۲- سالار احمدی
- ۲۳- رضا کیفی
- ۲۴- میرشاد محمد پور
- ۲۵- فریدون میره کی
- ۲۶- مختار گلشا
- ۲۷- سیروان فتحی
- ۲۸- صباح فتحی
- ۲۹- سوران نجاری
- ۳۰- محمد بورقه
- ۳۱- بهزاد الوندی
- ۳۲- اردشیر نگهداری
- ۳۳- حبیب الله صادقیان
- ۳۴- محمد حسین شریف زاده
- ۳۵- فایق مرادنیا
- ۳۶- آرش زمانی
- ۳۷- جواد قنبری
- ۳۸- علی احمدی
- ۳۹- کاوه بزرگی
- اسامی ۴۵ نفر قبلی که در تاریخ ۱۲ مرداد در اطلاعیه شماره ۹ کمیته کردستان اعلام کردیم. اطلاعیه ها و اخبار کردستان را میتوانید در این سایت www.iskraa.org ببخوانید:

کننده است. تجمع در مقابل زندانها و بازداشتگاه ها، سازمان دادن حرکت سراسری برای جمع آوری امضا با خواست آزادی همه دستگیر شدگان اخیر، و مطالبه خروج نیروهای نظامی از شهرها، اشکال مترقی و مدرن مبارزه برای مقابله با سرکوبگری رژیم اسلامی است. این اعتراضات را باید پی گرفت. حزب کمونیست کارگری و کمیته کردستان این حزب وظیفه خود میدانند با تمام توان این اعتراضات بر حق شما را حمایت و ارتقا دهد.

کنفرانس شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اوت ۲۰۰۵

میکند این اعتراضات شهری و مدرن را مهار کنند. اینها واقعیات و تحولات دو دهه اخیر در جامعه را نمیتواند ببینند. اینها در تقابل با خواسته ها و مبارزات مردم قرار میگیرند و قرار گرفته اند. اما شما مردم در شهرهای کردستان برخلاف سیاست این جریانات راه دیگری رفتید. به درست به سیاستهای این جریانات توجه نکردید. اکنون هم باید ادامه این مبارزات را از راه آزاد سازی عزیزان در بند دنبال کرد. قدم بعدی گسترش اعتراضات برای آزادی همه دستگیر شدگان است.

اعتراض و پیگیری شما برای آزادی عزیزانی که در سیاه چالهای جمهوری اسلامی بسر میبرند تعیین

ایفای نقش طالبانی و بارزانی را در سر دارند، کسانی که با ندیدن جایگاه مبارزات حق طلبانه و با قدرت شما چشم به انتظار دخالت خارجی دوخته اند، کسانی که بی باوری به مبارزات شهری مردم تعقل را از شان سلب کرده است، کسانی که تا دیروز به امید دوم خردادیهای داخل رژیم بودند و امروز تلاش میکنند مبارزات مردم را وثیقه مذاکرات خود با آمریکا بکنند، کسانی که هنوز خواب سازش با رژیم اسلامی را مبینند، همه اینها خارج از مطرح بودن یا نبودنشان، خارج از توافق یا اختلافشان با هم، جریانات غیر مسئولی هستند که از سر ماجراجویی یا سازشکاری و بی اعتمادی به مبارزات مردم تلاش

پیام کنفرانس شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ن به خانواده دستگیرشدگان در شهرهای کردستان

در جریان درگیریهای اخیر در شهرهای کردستان شمار زیادی از مبارزین توسط جمهوری اسلامی دستگیر شدند و همچنان در زندان بسر میبرند. برخی از آنها تحت شکنجه و آزار و چند نفر مورد تجاوز قرار گرفته اند حد اقل تا کنون یک نفر زیر شکنجه جان باخته است و خطر مرگ، تعدادی از آنها را تهدید میکند.

سران جمهوری اسلامی، از سردار و حجت الاسلام و آیت الله و استاندار و فرماندار گرفته تا رئیس جمهور و رهبر و... لمپنهائی

اسلامی و سرکوبگران و دیکتاتورهای هستند که سرکوب و ایجاد خفقان تنها راه حاکمیت آنهاست. زندان و شکنجه جزو جدائی ناپذیر ادامه خفقان و بی حقوقی میلیونها نفر در جامعه است. شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد بیان دیگری از آزادی بی قید و شرط، حق تجمع، بیان و ابراز حقوق و احساسات واقعی مردم است که هم اکنون بصورت خواست و مطالبه میلیونی در ایران تبدیل شده است. کنفرانس شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران به زندانیان سیاسی مردم آزاده، جوانان، کارگران و زنان برابری طلب که جواب درخوری به خشونت و شرارتهای رژیم دادند و رژیم را به هراس انداختند مصمیمانه درود میفرستد. ما با تمام توان خود از مبارزات شما حمایت میکنیم و برای آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و آزادی دستگیر شدگان اخیر در شهرهای کردستان تلاش خواهیم کرد. جلب حمایت و پشتیبانی کارگران و مردم آزادیخواه و مدافع حقوق انسانی در خارج کشور برای تحت فشار قرار دادن

جمهوری اسلامی و آزاد کردن زندانیان را همچنان و با قدرت پی میگیریم. مبارزات شما در این عرصه هم یکی از نمونه های درخشان و با ارزش است که باید با قدرت بیشتری برای آزادی عزیزان دریند ادامه یابد. خانواده های دستگیر شدگان باید بدانند که مردم آزادیخواه و حزب کمونیست کارگری آنها را تنها نخواهند گذاشت. و طبعاً همه مردم آزادیخواه کردستان تا آزادی همه عزیزان دریند تلاش خود را ادامه خواهند داد. برای آزادی همه دستگیر شدگان نیرو و

قدرتمان را باید چند برابر کنیم. در این عرصه از مبارزه هم رژیم اسلامی را باید شکست بدهیم. اوج این اعتراضات باید به شکستن در زندانها و رهای همه عزیزان دریند منجر شود. این روز دور نیست.

زنده باد آزادی زنده باد برابری زنده باد سوسیالیسم کنفرانس شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ اوت ۲۰۰۵

دستگیری، احضار و تهدید فعالین کارگری را محکوم میکنیم

به دنبال اعتراضات اخیر در شهرهای کردستان، اداره اطلاعات و حراست در شهرهای مختلف فعالین کارگری را تحت فشار رو به افزایش قرار داده اند.

در سنج مرتباً فعالین کارگری مورد تعقیب قرار میگیرند، احضار و تهدید میشوند و مورد توهین و اذیت و آزار قرار میگیرند. فعالین کارگری از کارخانه شاهو، از جمله

هادی احمدی، اسماعیل کاظمی، خالد سواری در روزهای اخیر مرتباً احضار و بازجویی و تهدید شده اند. محمد نعمتی از دیگر فعالین کارگری در سنج که قبلاً بازداشت و با قید ضمانت آزاد شده است، همچنان تحت فشار اداره اطلاعات است. در سقز نیز برهان دیوارگر که در روز ۱۶ مرداد ۸۴ دستگیر شده

است همچنان در زندان بسر میبرد و به انحاء مختلف او را آزار میدهند. علیرغم همه این فشارها و تهدیدها، فعالین کارگری با روحیه ای مصمم برای تداوم مبارزه برحق شان ایستادگی کرده اند. کمیته کردستان حزب این اقدامات سرکوبگرانه رژیم اسلامی را محکوم میکند و همه کارگران مراکز کارگری و مشخصاً کارگران

شاهو را فرامیخواند که این اعمال را که به قصد مرعوب کردن و به تسلیم کشاندن آنها و کل مبارزات آزادیخواهانه مردم صورت میگیرد شدیداً محکوم کنند و از نمایندگان خود قاطعانه دفاع کنند.

حزب همه کارگران و مردم آزادیخواه را فرامیخواند که این اعمال سرکوبگرانه را محکوم کنند و اجازه ندهند که فعالین کارگری را یکی پس از دیگری مورد بازجویی و تهدید و اهانت قرار دهند. حزب کمونیست کارگری از کلیه

سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان میخواهد در مقابل این اقدامات سرکوبگرانه حکومت اسلامی دست به عکس العمل بزنند و از مبارزات برحق کارگران و مردم آزادیخواه حمایت کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ شهریور ۱۳۸۴، ۲۴ اوت ۲۰۰۵

درخواست شماری از سازمانها و تشکلهای حقوق بشر برای اعزام هیئتی به کردستان

گفتگوی رادیو فردا با محمد آسنگران

در یک سخنرانی در شهر کلن آلمان اعلام شد که برای بررسی در کردستان شماری از سازمانها و تشکل های حقوق بشری در خارج درخواستی به دو کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا ارائه داده اند. یکی از کسانی که در تدوین این تقاضا دست داشت محمد آسنگران صاحب نظر مسائل کردستان است که در گفتگویی به این پرسش رادیو فردا پاسخ داده که درخواست اصلی از دو کمیسیون

یاد شده چیست، می گوید: در خواست اینست که این هیات برود ایران و در شهرهای کردستان بتواند زندانها را بازرسی کند و بتواند با خانواده های زندانیان و خود زندانیان ملاقات کند و اصل مساله را بررسی کنند. تاحالا جمهوری اسلامی هیات های مختلفی را فرستاده ولی تمام گزارش ها کاملاً جانبدارانه و به نفع جمهوری اسلامی پیش می رود و این حقانیت را باید به دنیا گفت. و ما تلاش میکنیم این اتفاق بیفتد

رادیو فردا - آیا فکر میکنید جمهوری اسلامی پذیرای چنین هیئتی باشد؟

محمد آسنگران - بستگی به این دارد که افکار عمومی در سطح دنیا و دولت ها و سازمانهای مدافع حقوق انسانی وسیعاً از این خواست حمایت کنند. در داخل ایران مردم دارند تلاش میکنند و اقدامهایی انجام میدهند. در خارج کشور این کارهم از لحاظ قانونی و هم حقوقی امکان پذیر است شرط آن این است که افکار عمومی در دنیا و سازمانهای مدافع حقوق انسانی به این مسئله به سرنوشت دستگیرشدگان حساسیت نشان بدهند.

رادیو فردا - شما بعنوان صاحب نظر مسائل کردستان میخواستم توضیح دهید بطور کلی وضع دستگیر شدگان تا الان چگونه است؟ محمد آسنگران - تعدادی از دستگیر شدگان تا کنون آزاد شده اند ولی خیلیها هنوز در زندانهای شهرهای مختلف از رضایتیه و مهاباد گرفته تا سنج و کرمانشاه همچنان در زندان هستند و فشار اصلی روی این تعداد است و اینها را مثل فعالین اجتماعی، مدافعین حقوق زن، کودک و سیاسی تحت فشار قرار داده اند و تعدادی را شکنجه شدید کرده اند. دو نفر از آنها به نامهای سعید ساعدی و اجلال قوامی که روزنامه نگار

هستند بیش از دوهفته است در زندان سنج دست به اعتصاب غذا زده اند. نگرانی برای وضع زندانیان بدلیل بدرفتاری و شکنجه بسیار شدید هست. یکی از زندانیان جانش را از دست داده و خطر اینکه کسان دیگری ممکن است از بین بروند هست و مشخصاً خطر اعدام یکی از زندانیان به نام مصطفی رسولی نیا در شهر مهاباد را تهدید میکند. او را ظاهراً به جرم کشتن یکی از افراد نیروهای انتظامی دستگیر کرده اند ولی هیچ مدرکی دال بر جرم وجود ندارد. باید اقدامات عاجل و وسیعی برای جلوگیری از تلفات بیشتر در ایران و خارج انجام داد.

رادیو فردا - با تشکر از شما

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!